اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری استانی

جنگ‌رافت

اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری استانی

روزنامه الکترونیکی @HOKMRAH

شماره سیزدهم

روزنامه الکترونیکی

اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری‌های استانی

۲۴ فروردین ۱۴۰۵

۲۴ شوال ۱۴۴۷

۱۳ آوریل ۲۰۲۶

شماره سیزدهم

مهدی عظیمی ، عضو شورای علمی اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری آذربایجان غربی

ا قبل از وقوع از وقوع جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، جنگ ایران و ایالات متحده و یا جنگ ایران و رژیم صهیونیستی عناوینی بودند که صرفاً برای نگارش تحلیل ها و مقایسات نظامی و سیاسی-اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گرفتند و حتی عملیات های وعده صادق۱و۲ و حمله متقابل رژیم صهیونیستی نیز چندان تاثیرگذار نبودند که معنای جنگ واقعی را برسانند. جنگ تحمیلی ۱۲ روزه نیز پیش‌درآمدی بر یک جنگ واقعی بود که طرفین با اطلاع از ظرفیت های یکدیگر وارد یک دوران گذار جهت آمادگی برای یک رزم تمام عیار شدند و البته پایان کارزار نشان خواهد داد درک کدام یک از آنان از واقعیت میدانی صحیح بوده است.

چرایی جنگ

ریشه اختلافات جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونسیتی و نیز ایالات متحده آمریکا، به دلایل زیادی مرتبط است که بیان برخی از آنان می پردازیم:

الف) اختلافات عمده با رژیم صهیو نیستی

- اختلافات ایدئولوژیکی، مهمترین موضوع است. برخلاف آنچه که عمدتاً در خصوص جمهوری اسلامی مطرح می شود و آن را به مذهبی بودن متهم می کنند، مبنای اصلی و شاکله ساختاری رژیم صهیونیستی برمبنای متون مذهبی و افراطی یهودی است که این تفکر از زمان بعثت پیامبر اکرم (ص) تنها یک مانع و البته دشمن بالقوه برای خود متصور بوده است که آن دین اسلام با محوریت اسلام شیعی بوده است.

- اختلافات سرزمینی، اختلافات سرزمینی عبارت از موضوع اشغال سرزمین های اسلامی فلسطین توسط رژیم صهیونیستی است که البته سودای اشغال سایر ممالک اسلامی همجوار و حتی منطقه را در سر دارد و همین موضوع باعث ورود جمهوری اسلامی ایران به عرصه تقابل با این رژیم بر اساس اصل دفاع از مسلمانان و اصل دفاع از مظلوم است. هرچند رژیم صهیونیستی شبهه حمایت از اسلام شیعی را برای ایجاد زاویه میان مسلمانان کشورهای منطقه با ایران ایجاد کرده بود، این شبهه با حمایت قاطع ایران از مقاومت اسلامی فلسطین که اصالت سنی مذهب دارد با شکست مواجه شد.

- حمایت رژیم صهیونیستی از رژیم طاغوت و سرکوب انقلابیون در دهه ۴۰ و ۵۰ و حمایت از گروه های ضدانقلاب مورد دیگری است که زمینه اختلافات را تشدید میکند.

- وسعت سرزمین و عمق استراتژیک ایران؛ آنچه رژیم صهیونیستی بیش از هرچیزی از آن واهمه داشته و دارد، موضوع وسعت کشورهای همسایه و منطقه ای است که رژیم رویای حکومت در آن را دارد است. ایران کشوری وسیع با تنوع جغرافیا و مرزهای مختلف است که دست این کشور را برای سازگاری با هر شرایط خاصی باز گذاشته و قدرت مانور آن را تنوع و افزایش می بخشد. موضوعی که از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در تمام مقاطع حساس کشور به خوبی خود را نشان داده است و پیروزی های زیادی را برای این کشور رقم زده است و همین موضوع زمینه حساسیت رژیم صهیونیستی را فراهم می آورد که البته کشورهایی نظیر ترکیه، عراق و سوریه نیز این قاعده مستثنی نیستند.

اختلافات عمده با ایالات متحده آمریکا

ریشه ایران با آمریکا کمی متفاوت است و اصلا محدود به دوره جمهوری اسلامی نیست و به دوران جنگ جهانی دوم و ظهور آمریکا به عنوان یک ابرقدرت نوظهور برمیگردد. این کشور بعد از جنگ جهانی دوم و خارج کردن بریتانیا از چرخه اول قدرت، چشم طمع به همان چیزی دوخت که سالها انگلستان در پی آن بود و آن منابع ارزشمند نفت است. البته ذکر این نکته نیز ضروری است که خطر نفوذ متحد آمریکا در جنگ جهانی دوم و رقیب استراتژیک آن در بعد از جنگ، یعنی شوروی را نیز نباید نادیده گرفت و همین دلایل مهم عامل یک کودتای سرنوشت ساز در تاریخ معاصر ایران را رقم زد و آتش خفته تنفر از آمریکا به عنوان یکی از اشغالگران ایران را شعله ور کرد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تسخیر سفارت آن کشور در تهران، ابعاد جدیدی از اعمال دولت و مستشاران آمریکایی روشن که تنفر موجود را توسعه بخشید و هر روز بر میزان آن افزود و در نهایت نه تنها آمریکا نسبت به مواضع خود نسبت به ایران کوتاه نیامد، بلکه بر میزان و شدت آن نیز با حمایت از مخالفان و ترویست‌های مسلح، ترور و تحریم افزود. جنگ آغاز شد حمله ناگهانی و البته پیش بینی شده ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی به کشور علیرغم تمام پروتکل های بین المللی مبنی بر مصونیت رهبران کشورها از ترور، در صبح روز شنبه ۹ اسفند با شهادت رهبر معظم انقلاب و برخی از اعضای خانواده ایشان و نیز جمعی از فرماندهان نظامی و همچنین شهادت بیش از ۱۷۰ نفر از دانش آموزان و معلمان مدرسه شجره طیبه میناب آغاز شد. آنچه که از نوع این حمله مشخص بود، حذف فیزیکی سران و مقامات کشور از طریق ترور و فروپاشی شبکه مدیریت و فرماندهی آن بود که منجر به فروپاشی تمام رده های زیرین و در نتیجه بی ثباتی داخلی و مرزی بوده است. اما آنچه که به وضوع مشاهده شد، برداشت غلط تحلیل گران آمریکایی و صهیونیستی از سیستم مدیریت کشوری و نظامی ایران بود چرا که نه تنها سیستم دچار فروپاشی نشد، بلکه با سرعتی بسیار بالاتر از جنگ ۱۲ روزه، حمله به اماکن نظامی آمریکا در سطح منطقه و نقاط مختلف فلسطین اشغالی آغاز شد، فرماندهان جدید سکاندار مدیریت جنگ شده و در مدت کمتر از ۱۰ روز، رهبر جدید نیز علی رغم محدودیت های شدید امنیتی انتخاب شد. همچنین نیروهای چهارگانه نظامی، بدون کوچکترین احساس خلاء حضور فرماندهان برابر الگوهای از پیش تهیه و پیش بینی شده، عملیات های سنگین و گسترده خود را آغاز کرده نیروهای مهاجم را شوکه کرد.

اکنون با گذشت بیش از یک ماه از شروع جنگ، آنچه که عیان شد این است که جمهوری اسلامی ایران از یک سوراخ بیش از یکبار گزیده نمی شود و مقاومت و دستاوردهای نظامی امروز، نتیجه تجارب اطلاعاتی و نظامی کشور از زمان پیروزی انقلاب اسلامی است، تجاربی که آموخت نظام اداره کشور نباید بر محوریت اشخاص بلکه باید بر محور سیستمهای مدیریتی قوی و بدون اتکا به هم باشد و تنها در چنین شرایطی است که بدون وجود راس سیستم، شاهد بقا و استمرار آن خواهد بود. همچنین آنچه که مایه دلگرمی مسئولان و فرماندهان ایرانی شد، حضور پررنگ مردم در صحنه و تجمع های شبانه بصورت مستمر است که ضمن ایجاد حمایت گسترده مردمی و مدیریت افکارعمومی در عرصه جهانی، زمینه هرگونه ایجاد نارامی داخلی را از بین برده است. با تمام این توضیحات، کشورهای مهاجم، نا امید نشده و برای حفظ اعتبار و البته پیروزی در جنگ تمام ظرفیت های خود را نه به صورت یکجا بلکه با ترتیبی حساب شده به کار می برد و به دلیل شکست های پی در پی در تحقق اهداف حمله، کاهش میزان اطلاعات از وضعیت فعلی کشور و نیز مسئولان و فرماندهان جدید، مردد بوده و همین موضوع حملات کور به نقاط مسکونی کشور منجر شده و جنگ بی برنامه را برای آمریکا و رژیم صهیونیستی باعث شده است. شایان ذکر است که ایران نیز دست نیروهای مهاجم را خوانده و هدفگذاری خود را ادامه جنگ با سرعت کم و قدرت تخریب بالا و مستمر قرار داده و بنا دارد ضمن ایجاد خسارت برای دشمن، معادله جنگ را حول محور اقتصاد جنگ توسعه داده و بر اساس آن حرکت کند. موضوع دیگری که دارای اهمیت است، حملات ایران به پایگاه های آمریکا در کشورهای حوزه خلیج فارس و اردن است که نشان از عزم ایران برای تنبیه هرکشوری در منطقه که متحد دشمنان خود است می باشد و هیچ مماشاتی در این مسیر را از خود نشان نخواهد داد.

آنچه برای کشورهای مذکور در حال رخ دادن است صرفاً دو مسیر را برای آنها باقی می گذارد، اول اتحاد با ایران و تشکیل نظمی جدید با تکیه بر قدرتهای منطقه که احتمال آن ضعیف است و دوم حرکت به سوی تضعیف قدرت نظامی، سیاسی و حتی آشوب های داخلی است چرا که آمریکا در طول این جنگ نشان داد اولویت اصلی این کشور حمایت از رژیم صهیونیستی و نه اعراب است و آنچه که برای اعراب فراهم کرده، برای دفاع از اسرائیل است.

در پایان باید گفت تشریح ابعاد این جنگ در چند صفحه نوشته نمی گنجد و نیاز به صدها برگ نگارش مفصل دارد که در حوصله این متن نمی گنجد اما در بیان کوتاه، پیروز این جنگ کسی است که ابتکار عمل را در دست گرفته، محرمانگی اطلاعات را رعایت کرده و تاب‌آوری بیشتری داشته باشد.